



## چیستان‌های ادبی جعفر ربانی

حسین امید از معلمان خوش‌نام و خوش‌ذوق و خلاق تبریز در دهه‌های پیشین بود. او در همان حال که در دبیرستان‌های تبریز تدریس می‌کرد به روزنامه‌نگاری نیز می‌پرداخت. مردی پرکار بود و چندی ریاست کتابخانه تربیت تبریز را هم بر عهده داشت. نخستین آزمایشگاه علوم تبریز را او بنا نهاد و بیش از صد کتاب تألیف کرد که از آن جمله چهار جلد کتاب به نام «تفریحات علمی» بود که برای دانش‌آموزان تألیف کرده و از علوم مختلف به‌ویژه سرگرمی‌های ریاضی در نوشتن آن‌ها بهره برده بود. پس از درگذشت حسین امید بازماندگانش کتاب‌های او را به کتابخانه تربیت اهدا کردند و استاد شهریار چکامه‌ای در فقدان او سرود. در این مجموعه که شما می‌خوانید، ما از تفریحات علمی امید هم استفاده می‌کنیم.

۱. چار حرف است نام مطلوبی

که تمنای اهل عالم گشت

هست جاری چنان عجب که از او

دو اگر بکنی بماند هشت!

۲. آن کدام حرف است که یک حرف است ولی سه حرف است؛

در حساب یکی است و در نام هزار است؛ در شکل راست است، ولی اگر خم شود چهار است؛ با شکر مخلوط شود شکار است.

۳. چند تا بودند؟

از قضا روزی کلنگی گفت با خیل کلنگ

السلام ای صد کلنگ، گفتند ما از صد کمیم

ما و ما و نصف ما و نصفه‌ای از نصف ما  
گر بیاید با تو اینجا، آن زمان صد می‌شویم  
این چیستان مشهور است و امکان دارد در همین مجله نیز آن را خوانده  
باشید.

اما این روایت بیان تاجیکستانی چیستان است.

### ● در کدام مصرع؟

به دوست خود بگوئید حرفی از حرف‌های الفبای عربی (هر حرفی از  
الفبای فارسی به جز پ، چ، ژ، گ) را در ذهن خود نگاه‌دارد. آن‌گاه شعر  
زیر را برایش بخوانید و بپرسید آن حرفی که در ذهن دارد، با توجه به  
بیت راهنما در کدام یک از مصرع‌ها وجود دارد. در ضمن هر مصرع  
شماره‌ای دارد که در آخر آن نوشته شده است:

- خوشا ترصیع تاج از نام ابن عم پیغمبر (۱)

- تمیز ختم هر حجت، مغیث حفظ حق حیدر (۲)

- طمع در فصل وجودش کرد شغل نظم و نثر من (۴)

- که ذوق خاطرش اکثر به سر غیب رهبر شد (۸)

- نظر یا ساقی کوثر سوی رمز کلام کن (۱۳)

### بیت راهنما

صحت ضعف جذبه خط شد

غزل نظم ساقی کوثر

این بیت ۲۸ حرف دارد که باید از ۱ تا ۲۸ شماره‌گذاری شود

ص-ح-ت-ض-.....

۴ ۳ ۲ ۱

مثال: اگر حرف مورد نظر دوست شما در سه مصرع آخر باشد، شماره آن  
 $4+8+13=25$  و خودش «ک» است.

### ● لطیفه

بازرس اداره آموزش و پرورش به دبستانی رفت. آموزگار به او گفت  
خوش‌بختانه این بچه‌ها در حساب پیشرفت بسیار خوبی دارند. خواهش  
می‌کنم از آن‌ها سؤال کنید. بازرس گفت: «خب، حتماً جدول ضرب را  
هم می‌دانند.»

سپس رو کرد به یکی از بچه‌ها و گفت: «آقا پسر! شما بگو ببینم هفت  
هشت تا چند تا؟»

- آقا ۵۸ تا!

از یک نفر دیگر پرسید: «تو بگو آقا پسر! ۸ نه تا چند تا؟»

- آقا ۷۴ تا!

آموزگار گفت: «جناب بازرس می‌بینید که چقدر جواب‌هایشان به حقیقت  
نزدیک است؟!»

### ● یک مسئله ریاضی-تاریخی!

یک نفر سکه‌ای داشت و مدعی بود که آن سکه متعلق به عصر ژول  
سزار، قیصر روم است. روی آن هم ضرب شده بود: ۵۵ ق. م (یعنی ۵۵  
سال قبل از میلاد ضرب شده است).

اما وقتی سکه را برای فروش نزد یک عتیقه‌چی برد، عتیقه‌چی آن را دید  
و پشت و رو کرد و گفت: «این سکه تقلبی است!»

از کجا دانست؟